

حمله نظامی به افغانستان پیش از ۱۱ سپتامبر

بر اساس گزارشاتی که در خبرگزاری های انگلستان، فرانسه، هند منعکس شده، سران امپریالیسم آمریکا مدت ها قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر در طول سال ۲۰۰۱ افغانستان را تهدید به حمله نظامی کرده بودند.

نظریه پردازان بورژوازی آمریکا در رسانه های خبری شکست نظامی رژیم طالبان را غیر مترقبه قلمداد کردند و بدین وسیله سعی در منحرف نمودن اذهان مردم نمودند. در صورتی که تجاوز نظامی آمریکا و دیگر امپریالیست ها بدون مقدمه و بدون طرح و مطالعه و برنامه دقیق انجام نگرفت. این طرحی بود که از مدت ها قبل از ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار گرفته بود. آمریکا برای تثبیت موقعیت سرکردگی خود و کنترل هر چه بیشتر منطقه و سازماندهی نفت از آسیای مرکزی در پی حمله نظامی بود. حادثه ۱۱ سپتامبر فقط بهانه ای بود که امپریالیسم آمریکا بتواند از آن برای اهداف سلطه گرانه اش استفاده کند.

نقش آسیای مرکزی برای آمریکا

مسئله تجاوزگری به آسیای مرکزی برای رده بالای بورژوازی و دولت آمریکا حدود یک دهه است که مطرح است.

فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ در واقع فرصتی بود تا امپریالیسم آمریکا بتواند جای پای محکمی را در خطه پهناور آسیای مرکزی بوجود آورد. این منطقه دارای بخش عظیمی از منابع دست نخورده انرژی جهان است. منابع عظیم نفت و گاز در شهر باکو در کرانه دریای خزر و از آنجا تا شرق پنج کشور جمهوری های آسیایی را در بر می گیرد. بعنوان

مثال ترکمنستان، سرزمینی کوهستانی و صحرائی است که با ایران و افغانستان هم مرز است. تخمیناً ۱۵۹ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی دارد که چهارمین منبع گاز بزرگ دینا است. یک و نیم میلیارد بشکه نفت اثبات شده دارد و بگفته کارشناسان میتواند حدود ۳۲ میلیارد بشکه داشته باشد. در واقع نفت و گاز این کشور ها شریان حیاتی آمریکا است. مشکل اصلی در دهه گذشته برای آمریکا این بود که چگونه نفت و گاز را از این مناطق به بازار جهانی برساند.

دولت آمریکا استفاده از سیستم لوله کشی روسیه و کشیدن ازمسیر شمال ایران به خلیج فارس را رد کرد. چرا که آمریکا در پی ایجاد یک منطقه رقیب در برابر منطقه نفتی خلیج بود و استفاده از ایران این طرح را به هم می زد و عملاً منطقه خزر به بخشی از منطقه نفتی خلیج فارس مبدل می شد.

طرح های گوناگونی را امپریالیسم آمریکا و شرکت های بزرگ نفتی برای کشیدن لوله های نفت و گاز مورد بررسی قرار دادند. از سمت غرب، آذربایجان، گرجستان، ترکیه و دریای مدیترانه، از سمت شرق، قزاقستان، چین و اقیانوس آرام، از سمت جنوب، ترکمنستان، غرب افغانستان، پاکستان و اقیانوس هند.

آمریکا بر کشیدن لوله ها از طریق افغانستان اصرار ورزید و شرکت های نفتی آمریکائی از قبیل «اونوکال» بیش از همه خواهان کشیدن مسیر از طریق افغانستان بودند.

عوض کردن نوکر قدیم با جدید

در زمانی که شوروی، افغانستان را (۱۹۸۰) اشغال نظامی کرد علاوه بر نیروهای انقلابی و مترقی ای که در برابر این تجاوز دست به مبارزه زدند نیروهای مجاهدین وابسته به مرتجعین منطقه و امپریالیست ها نیز برای مقاصد خود بر علیه شوروی جنگیدند. بن لادن دست پرورده سازمان های جاسوسی آمریکا و پاکستان می باشد. وی در طول

۲

جنگ علیه شوروی مامور رساندن کمک های مالی به نیروهای مجاهدین بود. در دورانی که سازمان های جاسوسی آمریکا و پاکستان سیا، و آی - اس - آی هزاران جوان را برای مقابله با شوروی تعلیم دادند، بن لادن یکی از افراد کلیدی آنان بود. سازماندهی جنگی گسترده علیه شوروی مخارج هنگفتی را بوجود آورد که عمدتاً این مخارج توسط آمریکا و عربستان سعودی تامین شد. بطور مثال کمک های مالی

آمریکا از سال ۱۹۸۰ که برابر با ۳۰ میلیون دلار بود در سال ۱۹۸۷ به بیش از ۶۰ میلیون دلار رسید. در همان دوره رسانه های خبری آمریکا مجاهدین و بن لادن، این خائنین به منافع توده ها را «رزمندگان راه آزادی» به مردم جهان معرفی می کردند.

جنگ سالاران افغانستانی بعد از شکست قوای شوروی در سال ۱۹۸۹ به جنگ ادامه دادند و بعد از جنایات بی حد علیه توده ها بطور عموم و زنان بطور خاص، توانستند برای دوران کوتاهی قدرت را در کابل بدست آورند. پس از بقدرت رسیدن مجاهدین، اولین حملات وحشیانه خود را علیه زنان با تصویب قوانین قرون وسطی ای آغاز کردند. اما با به قدرت رسیدن مجاهدین جنگ در افغانستان پایان نیافت و سران قبائل و زمینداران فئودال همچنان در پی ایجاد قدرت های منطقه ای خود بودند. به واقع ثبات در افغانستان برای اهداف امپریالیست های آمریکائی و شرکت های نفتی بوجود نیامد.

مطرح شدن طالبان بعد از مذاکرات پاکستان و ترکمنستان و ایجاد روابط تجاری بین دو کشور که باید از مسیر افغانستان عبور کند رو شد. طالبان با شعار امنیت راه ها، مبارزه علیه دزدان، مبارزه علیه فساد و غیره پا به صحنه گذاشت. آمریکا، توسط نوکرش پاکستان طالبان را تعلیم داد و آنرا به مردم افغانستان تحمیل کرد. طالبان از بنیادگرایان اسلامی طرفدار آمریکا بود. این نیرو بر تر طلبی پشتون را نمایندگی می کرد با به روی کار آمدن طالبان جنگ هم چنان بین روسائ قبائل و جنگ سالاران ادامه یافت. آمریکا با ارسال کمک های مالی خود به رژیم طالبان بطور علنی حمایت خود را اعلام کرد. رژیم طالبان نتوانست ثبات مورد نیاز آمریکا را در افغانستان بوجود آورد. از

۳

این پس بود که آمریکا در پی عوض کردن نوکر قدیم با نوکر جدید افتاد. یک بار دیگر امپریالیست های آمریکائی حکومتی سرتا پا ارتجاعی را به مردم افغانستان تحمیل کردند. اما این بار آمریکا و شرکا علنا با تجاوز نظامی و کشتار عظیم و ویران کردن افغانستان، این دولت دست نشانده را بر روی کار آوردند.

آمریکا، مجاهدین، طالبان، حکومت جدید و مسئله زنان

از دوران بقدرت رسیدن مجاهدین تا زمان طالبان زنان افغانستان در بدترین شرایط زندگی بسر بردند. قبل از بقدرت رسیدن مجاهدین، زنان خرید و فروش می شدند. بعنوان غنایم جنگی به حساب آمده و به آنان تجاوز شد و این عمل وحشیانه و ارتجاعی نه تنها بعد از به قدرت رسیدن ادامه یافت بلکه باحملات قرون وسطی دیگری علیه زنان همراه شد. بعنوان مثال می توان از پوشش اجباری برقه نام برد. در دوران طالبان نه تنها این وضعیت ادامه یافت بلکه بر شدت و حدت آن افزوده گشت. علاوه بر استفاده از برقه و پوشاندن تمام بدن و صورت، حق کار کردن یا تحصیل از زنان گرفته شد. حق قدم زدن در خیابان، رفتن به دکان و بازار و بیمارستان گرفته شد. حق رفتن به حمام عمومی که در افغانستان تنها امکان توده های وسیع برای نظافت است گرفته شد. خانه های ویران و نیمه ویران مبدل به زندان زنان گردید. تمامی اقدامات ارتجاعی و قرون وسطائی طالبان علیه زنان برای بورژوازی غرب پوشیده نبود. آمریکا از حمایت مستقیم و غیر مستقیم، علنی و مخفی خود از طالبان نه تنها بر وحشیانه ترین و عقب مانده ترین قوانین اسلامی که بر زنان اعمال می شد مهر تایید گذاشت، بلکه بر فرموله کردن و اشاعه تئوری ارتجاعی نسبیت فرهنگی دست و بال طالبان را در سرکوب علنی زنان باز گذاشت.

۴

«در دوران طالبان ۳ در صد از دختران برای شروع درس در کلاسها بودند در مقایسه با پسران که ۳۹ درصد را تشکیل می دادند - در مورد بزرگسالان، فقط ۱۳ درصد از زنان و ۳۳ در صد از مردان با سواد بودند.» (مجله نیوز ویک دسامبر ۲۰۰۱)

این نشان می دهد که چگونه حتی دختران خردسال از کودکی با زن ستیزی نظام حاکم در افغانستان روبرو می شوند. باید توجه داشت که در صد واقعی بمراتب هولناک تر از این گزارشات می باشد.

حال امپریالیست های آمریکائی و شرکا اشک تمساح برای زنان افغانستان می ریزند. از آزادی زنان افغانستان حرف می زنند در حالیکه دولت حاکم در آمریکا از حق کورتاژ

زنان جلوگیری می نماید و بوسیله کلیسا و کشیش های ارتجاعی و رسانه های متعلق بخود در برابر این اولیه ترین خواست زنان ایستادگی می کند و به سرکوب زنان می پردازند. این نشان میدهد که دولت حاکم بر آمریکا چگونه ستم بر زنان را اعمال می کند و بنیادگرایی مسیحی را به عریان ترین شکل به نمایش می گذارد.

دولت دست نشانده فعلی افغانستان متشکل از کسانی است که یکی از خدماتشان در دولت های پیشین تشدید ستمگری بر زنان بوده است. در طول بیست سال گذشته چنان ستمی بر زنان روا شد که امروز مصاحبه با زنان و یا بیرون آمدن از خانه هایشان را رسانه های خبری امپریالیستی بعنوان آزادی زنان به مردم جهان معرفی می کنند. در طول سالیان متمادی خشن ترین ستمگری بر زنان افغانستان اعمال گردید و حال با نشان دادن صحنه هایی از عقب رفتن چادر می خواهند سطح توقع زنان را اینگونه پائین بیاورند. به مرگ گرفتن برای به تب راضی شدن.

بورژوازی آمریکا اینگونه وانمود می کند که گوئی برای اولین بار است که حق بیرون آمدن از خانه و یا شل شدن حجاب برای زنان افغانستانی بوسیله اینان اعطا شده است. با نگاهی به تاریخ گذشته افغانستان می توان دید که مبارزات زنان افغانستانی برای آزادی خود و گرفتن آن از دولت های وقت تاریخی طولانی دارد. و در برخی زمینها حقوق

۵

خود را با مبارزات شان زودتر از زنان آمریکائی بدست آورده اند. در این رابطه مجله نیوز ویک - دسامبر ۲۰۰۱ می نویسد: «این مهم است که بخاطر داشته باشیم که زنان افغانستانی حق رای دادن را در سال ۱۹۱۹ یک سال قبل از آمریکائی ها کسب کردند.»

در عین حال باید خاطر نشان کنیم که قرار دادن چند زن در مقامات کشوری و یا در مجلس آینده افغانستان به هیچ عنوان مسئله رهایی زنان افغانستانی را ایجاد نخواهد کرد. در همسایگی افغانستان رژیم ارتجاعی و قرون وسطائی طالبان ایرانی قرار دارد که در ستم بر زنان هم مدال طالبان افغانستانی می باشد. جمهوری ارتجاعی اسلامی در ایران برای مهار و به کجراه کشاندن مبارزات زنان در ایران با قرار دادن چند زن در مجلس و دولت اینگونه وانمود کرد که مسئله زنان بوسیله این زنان در جامعه مطرح و پیش برده خواهد شد.

زنان حکومتی در ایران سعی کردند با لیبرالیزه کردن قرآن و قوانین آن به تحکیم هر چه بیشتر حکومت زن ستیز حاکم کمک نمایند. با وجود عناصری چند در حکومت در واقع تغییری در وضعیت زنان ایران ایجاد نشد و نمی توانست بشود. این زنان خود بخشی از نظام حاکم بر ایران هستند و به آن خدمت می کنند. با روی کار آمدن خاتمی و عقب رفتن چادر هیچ تفاوت کیفی در وضعیت زنان بوجود نیامد. زنان کماکان زیر قیود، سنن، رسوم مردسالاری و پدرسالاری و قوانین شرعی و عرفی اسلامی محبوس هستند.

منافع و خواسته های زنان وسیع زحمتکش و دیگر اقشار و طبقات در ایران در برابر زنان حکومتی و کل نظامشان قرار دارد و به همین دلیل هر روز بر دامنه و گستره مبارزات زنان ایران افزوده می شود.

حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکا نمی تواند حامل ارزش های انسانی برای زنان افغانستانی باشد. نمی تواند برای رهایی زنان افغانستان حتی از قوانین روی کاغذ حرف بزند. کسانی که امروزه در حکومت فعلی افغانستان گنجانده شده اند معتقد به قوانین

۶

اسلامی اند و هر چقدر بخواهند آنها لیبرالیزه نمایند نمی توانند. این قوانین کماکان قرون وسطائی و عقب مانده اند. حکومت دست نشانده افغانستان مجبور به اعمال قوانین ارتجاعی اسلامی بر زنان می باشد چرا که بر خواسته از فرهنگ و سنن و زیر بنای فتوالتی و عقب مانده است. اینان سگان نگهبان چنین فرهنگ و سنن و اقتصاد عقب گرا هستند. و حفظ آن سود سرمایه داران آمریکائی را تضمین می نماید.

مبارزات زنان افغانستانی

در تمام دوران حاکمیت طالبان و قبل از آن زنان به اشکال گوناگون دست به مبارزه زده و برای رهایی خود مبارزه نمودند. سال های سرکوب طالبان و دارو دسته اش اگر

چه نقش بسیار زیادی را در نگاه داشتن بسیاری از زنان در زندان خانه داشت. اما از آنجا که مردان خانواده درگیر در جنگ ها بودند و یا در جنگ کشته و یا فراری و یا در زندان ها بسر می بردند، عملاً این زنان بودند که تامین سر پناه، تهیه غذا، تعلیم و تربیت کودکان و.... را بر عهده داشتند. و برای تامین اولیه ترین مسائل زندگی روزمره مجبور به درگیری با مرتجعین حاکم بودند.

زنان تحصیل کرده بخاطر نداشتن حق کار برای تامین زندگی به هر کاری دست زدند. مثل گدائی در خیابان های کابل برای سیر کردن شکم فرزندان شان. و یا وجود معلمان مخفی زن برای آموزش به دختران و پسران افغانی که در هر لحظه با خطر مرگ روبرو بودند. خشمی که سال ها در دل این زنان و هزاران زن دیگر فشرده گشته زیر بنای به آتش کشیدن حکومت زن ستیز دست نشانده آمریکا می باشد.

رسانه های خبری غرب گزارش می دهند که با رفتن طالبان و بسر کار آمدن حکومت آقای کرزای توده های مردم در افغانستان و بطور مشخص زنان خوشحال هستند. این

۷

دروغی بیش نیست.

حکومت فعلی افغانستان دست پروده امپریالیسم آمریکاست و دم زدن از آزادی زنان افغانستانی جز حيله و نیرنگ چیز بیشتری نخواهد بود. حتی رسانه های غرب که در خدمت به اهداف سلطه گرایانه دولت های حاکمشان قرار دارند به این امر اذعان دارند که «در حال حاضر زنان افغانستانی که در زمان مجاهدین مورد تجاوز قرار گرفتند، و در زمان طالبان مورد سو استفاده های قرون وسطائی بودند، بیش از همه مردم پافشاری می نمایند که جانیان جنگی چه گذشته و چه فعلی مسئول این جنایات شناخته شوند.» (مجله نیوز ویک - دسامبر ۲۰۰۱) بسیاری از سردمداران حکومت آمریکائی در افغانستان کسانی هستند که سال ها قوانین شرعی و عرفی ارتجاعی اسلامی را بر زنان تحمیل کردند و اینان باید در دادگاه های توده مردم و بطور مشخص زنان محاکمه شوند و بسزای اعمال شان برسند. آن روز دور نیست! زنان آگاه در افغانستان در افشای سیاست های امپریالیست های روسی و آمریکائی و شرکا و نوکرانشان نقش بسزائی داشته است.

رهائی زنان فقط و فقط بدست خود زنان حاصل خواهد شد و هیچ نیروی امپریالیستی و مرتجع با هر حيله و نیرنگ و شکل و شمایل نمی تواند رهائی زنان را بوجود آورد. این امر در گرو هر چه آگاه شدن زنان در مبارزات مشترک شان با دیگر توده های زحمتکش افغانستانی برای رهائی افغانستان از چنگال امپریالیست ها و مرتجعین بدست خواهد آمد.

پیروزی از آن ماست!

۸

گزارش کارزار علیه جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و شرکا به افغانستان

قبل از آغاز جنگ تجاوزکارانه نطفه های جنیش ضد جنگ بسته شد. مردم با نظرات گوناگون و از ملیت های مختلف در مبارزات ضد جنگ شرکت جسته و انزجار خود را از براه اندازی جنگ ضد مردمی نشان دادند.

با آغاز جنگ و بمباران مردم بیگناه افغانستان، در بسیاری از کشورها در سطح جهان و هم چنین در خود کشورهای غرب با تمام تبلیغات علیه «تروریسم» ابعاد مبارزه علیه جنگ تجاوزکارانه شدت بیشتری یافت.

یکی از مشخصه های این مبارزات ادغام جنیش علیه گلوبالیزاسیون و جنگ تجاوزکارانه بود. جوانان در کشورهای اروپائی و آمریکائی همصدا کشتار عظیم زن و مرد و پیر و جوانی که هر روزه زیر سنگین ترین بمباران های بمب افکن ها قرار می گرفتند محکوم کرده و خواهان قطع فوری جنگ بودند. با گسترش جنگ تجاوزکارانه آمریکا و شرکا بر علیه مردم افغانستان مبارزات گسترده تر گشته و توده های بیشتری را به صحنه آورد.

مبارزات و اعتراضات در بسیاری از کشورهای تحت ستم مثل پاکستان، هند، فلیپین،

اندونزی و... انجام گرفت و در برخی از این کشورها به زد و خورد خیابانی با پلیس انجامید. سازمان زنان هشت مارس (ایرانی، افغانستانی) نیز در ضدیت با جنگ تجاوزکارانه در مبارزات و اعتراضات گوناگون در کشورهای مختلف شرکت جست. در عین حال کارزاری را علیه جنگ تجاوزکارانه در کشورهای مختلف اروپا سازماندهی نمود. این کارزار برگزاری سخنرانی های سراسری در اروپا بود. سخنرانی ها توسط مسئول و سخنگوی واحد افغانستان انجام گرفت. این کارزار در خدمت به افشای سیاست های امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست ها در براه اندازی این جنگ تجاوزکارانه و افشای نوکران بومی آنان طالبان و ائتلاف شمال و ظاهر شاه قرار گرفت.

در زیر بطور مختصر برخی گزارش های رسیده شده را درج می کنیم :

کانادا:

— **تورنتو:** کمیته ضد جنگ از گروهها و سازمان های مختلف بوجود آمد. این کمیته به برگزاری سخنرانیها و تظاهرات مبادرت ورزید. شهزاد مجاب و امیر حسن پور از سخنرانان بودند. سازمان زنان هشت مارس در این تظاهرات ها و سخنرانیها شرکت جست و با گذاشتن میز کتاب، نشریه و اعلامیه های ضد جنگ سازمان و دسته هشت مارچ را در اختیار علاقمندان قرار داد.

سازمان زنان هشت مارس واحد تورنتو در راهپیمائی هایی که بصورت هفتگی برقرار می گشت شرکت جست و به پخش وسیع اعلامیه به زبان انگلیسی و فارسی پرداخت. اعلامیه های سازمان زنان هشت مارس در روزنامه شهروند منعکس گردید.

— **ونکوور:** یکی از فعالین سازمان زنان هشت مارس گزارش می دهد که: حدود دو ماه بطور مرتب از سوی مردم مخالف جنگ، تظاهرات هایی برگزار شد. ما در این تظاهرات ها شرکت داشتیم. از طریق تماس با رادیو پثواک ترتیب مصاحبه با مسئول و سخنگوی واحد افغانستان سازمان زنان هشت مارس را دادیم.

سوئیس:

— **برن:** تظاهرات ضد جنگ وسیعی با شرکت ۵۰۰۰ نفر اول دسامبر برگزار گردید. شرکت کنندگان از نیروهای مختلف سیاسی —آنارشیستها، تشکلات کلسیائی و... بودند. شرکت کنندگان شامل گروه های مختلف سنی بودند. در این تظاهرات شعارهای ضد آمریکا بیشتر بود. ما زنان هشت مارس واحد سوئیس نیز در این تظاهرات شرکت جست و اعلامیه ضد جنگ سازمان را به زبان آلمانی در بین مردم پخش نمودیم.

آلمان:

— **گوتینگن:** در روز ۵ نوامبر راهپیمائی ۷۰۰ نفره علیه جنگ در افغانستان برگزار شد. این راهپیمائی به دعوت گروه های علیه جنگ و نژاد پرستی انجام شد. در خاتمه این راهپیمائی بیانیه سازمان زنان هشت مارس از طرف یکی از فعالین سازمان هشت مارس خوانده شد. با توجه به اینکه گروه های فرهنگی خارجیان در این شهر مواضع محکمی علیه جنگ در افغانستان را ندارند، اما این بیانیه در سطح شهر با استقبال روبرو شده و متن آن در روزنامه دولتی شهر در روز ۲۳ نوامبر بطور کامل درج گردید.

در روز ۱۵ نوامبر دفتر حزب سبز ها در این شهر به اشغال در آمد. اشغال کننده گان متشکل از گروه های علیه جنگ و نژاد پرستی بودند. این عمل سمبلیک درست در روز قبل از تصمیم گیری نمایندگان احزاب آلمانی برای فرستادن ۳۹۰۰ سرباز آلمانی به افغانستان انجام گرفت. واحد گوتینگن از اشغال این دفتر حمایت کرده و در بحث و گفتگوئی که از طرف نماینده این حزب در شهر ترتیب داده شد فعالانه شرکت نموده و خواستار پایان دادن فوری جنگ در افغانستان شدند.

در روز ۱۵ دسامبر به دنبال دعوتی که «پلنوم علیه نژاد پرستی» و «کارگاه تاریخ» در شهر گوتینگن از سازمان زنان هشت مارس کرده بودند، سخنگو و مسئول واحد افغانستانی و فعال واحد گوتینگن سخنرانی کردند. در این سخنرانی ها تجاوز آمریکا به افغانستان مورد بررسی قرار گرفت.

در خاتمه سئوال و جواب، سخنگوی واحد افغانستان خواستار جمع آوری کمک مالی برای سازمان هشت مارس و همچنین کمک مالی به نشریه نبرد زن که توسط دسته هشت مارچ منتشر می شود، شد که با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید. حدود ۲۷۰ مارک جمع آوری شد. از طرف بسیاری از شرکت کنندگان قول همکاری و کمک مالی به سازمان زنان داده شد.

در روز ۱۸ دسامبر از طرف استاد پداگوژی شهر گوتینگن برای شرکت در سمینار جنگ علیه افغانستان که برای دانشجویان ترتیب داده شده بود، به‌همراه گروه «پلنوم علیه راسیسم» شرکت نمودیم و مواضع سازمان هشت مارس را علیه جنگ اعلام کردیم. در قسمت سؤال و جواب به بحث با ۷۰ نفر از دانشجویان آلمانی و خارجی این شهر نشستیم. خانم استاد پداگوژی صمیمانه از شرکت ما در این سمینار تشکر کرد و ۱۰۰ مارک کمک مالی ایشان به سازمان هشت مارس دریافت شد.

در روز ۲۰ دسامبر تظاهراتی از طرف گروه های علیه جنگ و علیه نژاد پرستی انجام گرفت. حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت کردند. فعال واحد هشت مارس بیانیه ای از سازمان هشت مارس را که با همکاری واحد افغانستان تهیه شده بود را خواند. این بیانیه مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت. با توجه با اینکه ما تنها گروه خارجی بودیم که بیانیه مان را خواندیم، بسیاری حمایت خود را شفاها اعلام کردند و فعالان وارد بحث و گفتگو با فعالین سازمان شدند.

— برمن :

در شهر برمن چندین تظاهرات علیه جنگ برگزار گردید. اولین تظاهرات در برمن بسیار وسیع برگزار شد. نیروهای مختلف چپ و مترقی آلمانی برگزار کننده این تظاهرات بودند. در این تظاهرات ۲۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند. شعار های تظاهرات رادیکال و مترقی بود. سازمان زنان هشت مارس واحد برمن در این تظاهرات و دیگر تظاهرات هائی که از طرف نیرو های مختلف برگزار شد، شرکت کرد.

فعالین واحد برمن در جلسه ای که از طرف حزب کمونیست کارگری تحت عنوان افغانستان و اوضاع کنونی برگزار نمود، شرکت کرد و به نقد نظرات آنان که مطرح می کردند «ما باید تمام نیروی خود را در افشای مذهب در افغانستان بگذاریم. و تجاوز آمریکا خیلی عمده نیست» پرداخت.

یک تظاهرات بزرگ از طرف پ — پ — اس همراه با نیروی های چپ دیگر در مخالفت با سخنرانی یک سرباز آلمانی که جایزه صلح به او داده بودند و قرار بود در مجلس ایراد شود، برگزار گردید. ما در این تظاهرات نیز شرکت کردیم.

روز ۸ دسامبر از طرف سازمان هشت مارس واحد برمن و با همکاری تشکل زنان دکولورس جلسه ای گذاشته شد. در این جلسه مسئول واحد افغانستان به افشا گری از امپریالیست ها و جنگ تجاوز کارانه آنها سخنرانی کرد. در این سخنرانی ائتلاف شمال و نقش ارتجاعی آنها و همچنین بن لادن و ارتباط وی با سازمان های جاسوسی آمریکا و پاکستان پرداخته شد. و همچنین علل قدرت گیری طالبان که بوسیله پاکستان و سازمان سیا ساخته شده بود مطرح گردید. در انتها شرکت کنندگان که از زنان ملیت های گوناگون بودند به بحث پرداخته و نقطه نظرات خود را بیان نمودند.

— کلن :

در روز ۷ دسامبر جلسه ای از طرف سازمان زنان هشت مارس واحد کلن برگزار گردید. سخنران این جلسه مسئول و سخنگوی واحد افغانستان بود. بعد از ایراد سخنرانی حاضرین در جلسه به بحث پیرامون جنگ تجاوزکارانه پرداختند.

— فرانکفورت : سازمان زنان هشت مارس واحد فرانکفورت همراه با سازمان ها و گروه های مترقی افغانستانی تظاهراتی را در ضدیت با جنگ تجاوزکارانه برگزار کرد. ویژه گی این تظاهرات شرکت وسیع زنان و مردان افغانستانی بود.

سمینار سالانه زنان ایرانی در آلمان در شهر فرانکفورت در روز های ۱۶ تا ۱۸ ماه نوامبر برگزار شد. سخنگوی واحد افغانستان تحت عنوان خشونت دولتی که بر زنان افغانستان روا می شود در این سمینار سخنرانی نمود.

— هامبورگ : شورای دمکراتیک ایرانیان هامبورگ روز ۱۴ دسامبر جلسه ای تحت عنوان «موقعیت افغانستان و زنان» برگزار کرد. به دعوت این شورا مسئول واحد افغانستان در این جلسه سخنرانی کرد. سخنرانی وی عمدتاً به افشای اهداف جنگ تجاوزکارانه آمریکا و شرکا و دولت ارتجاعی موقت افغانستان پرداخت. شرکت کننده گان این جلسه را ایرانیان و افغانستانی ها تشکیل می دادند

هلند :

— در روز ۲۲ دسامبر در کمپ پناهندگی فیندام یکی از شهر های شمالی هلند جلسه ای در مورد تجاوز آمریکا و شرکا و شرایط افغانستان و مسئله زنان افغانستانی در این موقعیت برگزار گردید. جلسه با حضور زنان ایرانی و افغانستانی آغاز گشت. بعد از خوش آمد گویی و خواندن شعر در رابطه با زنان افغانستانی که بوسیله یکی از فعالین هشت مارس واحد هلند خوانده شد، مسئول واحد افغانستانی در رابطه با جنگ

و اوضاع افغانستان و وضعیت زنان به سخنرانی پرداخت. بعد از آن جلسه به گفتگو نشست که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. حاضرین در این جلسه از مشکلات و مسائل شان صحبت نمودند. زنان شرکت کننده در جلسه خواهان برگزاری جلسات بیشتری گردیدند.

انگستان :

— لندن : در روز ۷ نوامبر تظاهراتی از طرف کمیته زنان اتحادیه دانشجویان لندن در دفاع از زنان افغانستان و محکوم کردن جنگ برگزار شد. سازمان زنان هشت مارس واحد لندن نیز در آن شرکت نمود. یکی از نقاط قوت این تظاهرات شرکت وسیع زنان جوان بود. زنان از ملیت های گوناگون در این تظاهرات ضد جنگ شرکت کرده و خواهان قطع فوری جنگ بودند.

کنفرانسی در همان شب از طرف کمیته زنان اتحادیه دانشجویان برگزار گردید. در این کنفرانس چهار سخنران شرکت داشتند. کمیته زنان اتحادیه دانشجویان از ما دعوت بعمل آورده بود که در رابطه با این جنگ و اوضاع افغانستان و بطور مشخص موقعیت زنان افغانستانی سخنرانی نمائیم. مسئول و سخنگوی واحد افغانستان در این کنفرانس سخنرانی نمود که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در این کنفرانس به غیر از تعداد اندکی از مردان اکثرا زنان شرکت کرده بودند. در انتها تعدادی از تشکلات فمینیستی در لندن خواهان همکاری بیشتری با ما شدند.

در روز ۱۸ نوامبر تظاهراتی با شرکت ۴۰۰۰۰ نفر از گروه ها و سازمان های مختلف در شهر لندن برگزار گردید. اولیه ترین خواست تظاهرات قطع فوری جنگ بود. در این تظاهرات زنان و مردان از سنین مختلف و ملیت های گوناگون شرکت داشتند. ما در این تظاهرات به پخش وسیع اعلامیه پرداختیم.

— اعتراض به کنفرانس سران قبائل افغانستان در بن — آلمان

سازمان زنان هشت مارس به همراه «کمیته تدارک جبهه ضد تهاجم امپریالیستی به افغانستان» در روز ۲۷ نوامبر در مقابل هتل اقامت خبرنگاران بین المللی در شهر بر گزاری کنفرانس تظاهرات ایستاده ای را برگزار کرد.

این تظاهرات در افشای سیاست های امپریالیست ها جهت ایجاد دولت موقت متشکل از نماینده گان ائتلاف شمال، هواداران ظاهر شاه، سران قبائل و.... بود. خبرنگاران با شرکت کننده گان این تظاهرات به مصاحبه پرداخته و علل اعتراض به این کنفرانس را خواستار شدند. این تظاهرات به طور غیر قانونی برگزار شد

**سازمان زنان هشت مارس (ایرانی، افغانستانی)
ژانویه ۲۰۰۲**